

دیدار وزیر امور خارجه ایران با مقامات ژاپنی

رایزنی برای رفع تحریم‌ها در ژاپن

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که به‌منظور بازدید رسمی و دیدار با مقامات ارشد ژاپن، یکشنبه‌شب به وقت محلی وارد توکیو شد، دوشنبه‌ای شلوع را در ترافیک دیدارهای دوجانبه سپری کرد.

صفحه ۲

سرمقاله

مروری بر جنبش مشروطه



کوروش احمدی

دبلمات پیشین

شنبه گذشته (۱۴ مرداد) مصادف با صدوهفدهمین سالگرد مشروطیت بود. این جنبش را اگر از جهتی مهم‌ترین تحول در تاریخ دوهزارو ۵۰۰ ساله ایران بنامیم، اغراق نکرده‌ایم. مشروطیت به رکودی که به قول داریوش شایگان جامعه، فرهنگ، ادب و هنر کشور را در یک تعطیلات ۳۰۰–۴۰۰ساله قرار داده بود، پایان داد و بیشترین سهم را در مواجه‌کردن جامعه با جلوه‌های گوناگون مدرنیته داشت و تعمیق نوزایی فرهنگی، هنری، ادبی و بسط دانش و افزایش شمار مدارس و دانش‌آموزان را ممکن کرد. مشروطه همچنین برای اولین بار بعد از حدود هزار سال، مرکز ثقل زندگی سیاسی کشور را از ایلات به شهرها آورد و به نقش تعیین‌کننده جنگ‌های ایلاتی در تعیین سرنوشت سیاسی کشور خاتمه داد. اما «سلب امتیاز و خودسری از شخص همایون» و واردکردن نظام حکمرانی ایران به عصر سیاست‌ورزی و قانون‌خواهی به جای فرمانمندی، مهم‌ترین هدف مشروطیت بود. از این جهت، اهمیت این جنبش را می‌توان بیشتر از حرکت‌های مشابه در اروپا و عثمانی دانست؛ چراکه استبداد شاهان ایرانی هیچ حد و مرزی نداشت و از این نظر که نه‌تنها مردم عادی بلکه اقشار مختلف هیئت حاکمه نیز در برابر آن کاملاً بی‌دفاع بودند، پدیده منحصربه‌فردی بود. پرداختن تفصیلی به این ویژگی استبداد ایرانی که توسط کسانی همچون همایون‌کاتوزیان تشریح شده، خارج از حوصله این مختصر است. تنها گفتنی است که بسیاری از جهانگردان و دبلمات‌هایی که در دوره صفویه و بعد به ایران سفر کردند، متوجه این ویژگی استبداد ایرانی بوده‌اند. ژان شاردن دراین‌باره گفته است: «بی‌هیچ کمان در سراسر روی زمین، پادشاهی به قدر سلطان ایران بر ملتش تسلط ندارد. هرچه بگوید بی‌درنگ اجرا می‌شود و گرچه برخلاف عقل و عدل و منطق باشد». تاورنیو نیز بر آن بود که «حکومت ایران منحصرأ استبدادی است و شاه، مستقل از هر شورا یا آیین دادرسی متداول در اروپای ما، اختیار زندگی رعایای خود را دارد. او می‌تواند به هر شکلی که میال باشد، دستور قتل بزرگان مملکت را صادر کند، بی‌آنکه هیئت دولت از آن برنجسد یا جرئت کند که علت را جویا شود. می‌توان گفت که هیچ حکمرانی در جهان مستبدتر از شاه ایران نیست».۱ طبعا در چنین بروهتی نه به قانون نیازی بود و نه به سیاست‌ورزی و اراده شاه هم قانون بود و هم سیاست. تکلیف بقای شاه نیز بر اساس دیالکتیک ترس و زور معلوم می‌شد.

در جریان روشنگری ایرانی از اواسط قرن سیزدهم هجری بی‌قانونی و قانون به مهم‌ترین موضوع در ادبیات اصلاح‌گری تبدیل شد. با شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس، عباس‌میرزا و قائم‌مقام ایران در تلاش برای ایجاد قشون جدید متوجه شرایط لازم برای این مهم شدند. از امیرکبیر نیز نقل شده که «مجالم ندادند و الا خیال کنسلیطوسیون [قانون اساسی] داشتم. مانع بزرگم روس‌ها بودند...».۲ حتی ناصرالدین‌شاه نیز در بازگشت از سفر اروپا در ربیع‌الاول ۱۳۰۷ در جمع درباریان گفت: «تمام نظم و ترقی اروپ به جهت این است که قانون دارند».۳ اندیشه قانون‌خواهی و قانون‌مداری به محور اصلی در نوشته‌های همه اصلاح‌گران ایرانی، از جمله فتح‌علی آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، سپهسالار اعظم، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا عبدالرحیم طالب‌نیز تبدیل شد. سرنوشت‌و وزیرانی مانند میرزا ابراهیم کلانتر، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر به‌عنوان نتیجه دولت بی‌قانون تأثیر عمیقی بر ذهن ایرانی به جای گذاشته بود. نخستین بروز خارجی و علنی این جنبش روشنگری در جریان قیام تنباکو علیه اعطای خودسرانه امتیازات به خارجیان دیده شد که طی آن در یک تحول بی‌سابقه در تاریخ ایران، یک شاه خودسر، تحت فشار «رعیت»، خود را ناچار از لغو امتیاز تنباکو به یک خارجی دید.

در جریان جنبش مشروطه، دربار قاجار کوشید تا خواست مردم را به «عدالتخانه» که در مراحل اولیه جنبش مطرح شده بود، محدود کند و آن را در حد تأمین عدالت فردی و حل دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی فرو بکاهد. تأسیس یک «عدالتخانه دولتی» برای اجرای «احکام شرع مطاع و آسایش رعیت» توسط مظفّرالدین‌شاه در دی ۱۲۸۴ که هیچ حق جدیدی به ملت نمی‌داد و اقتدار شاه را محدود نمی‌کرد، مردم را راضی نکرد و موجب افزایش دامنه اعتراضات شد. شاه نهایتاً در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ دستخطی مبنی بر تشکیل مجلس شورای ملی «از منتخبین شاهزادگان، علما، قاجاربه، اعیان، اشراف، مالکین، تجار، اصناف» جهت مشاوره «در مهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه» صادر کرد که در آن دذری از حاکمیت ملت و عامه مردم نبود. با ادامه اعتراضات، شاه نهایتاً سه روز بعد امر به «تأسیس مجلس منتخبین ملت» کرد. طرح اولیه قانون اساسی که از سوی صدراعظم به مجلس داده شد، پذیرفته نشد و مجلس خود اقدام به تدوین قانون اساسی در ۵۱ اصل کرد.

ادامه در صفحه ۱۱



سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۲ • ۲۱ محرم ۱۴۴۵ • ۸ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۱۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: همان علی دایی که به آمریکا مهاجرت کرد! تخریب دومینویی ناایمن‌ها، واکنش سازمان برنامه و بودجه کشور به یک گزارش، چرا جریان رادیکال اصولگرایی با لایحه حجاب مخالف است

محسنی‌اژه‌ای:

قاضی نباید تحت تأثیر فضاسازی‌ها قرار گیرد

رئیس قوه قضائیه گفت: قاضی نباید تحت تأثیر فضاسازی‌ها قرار گیرد؛ چراکه در آن صورت عدالتش مخدوش می‌شود. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در دیدار قضات و کارکنان قضائی استان فارس با اشاره به حجم بالای کار در دستگاه قضائی اظهار کرد: حجم کار و سختی کار در دستگاه قضائی بالاست..

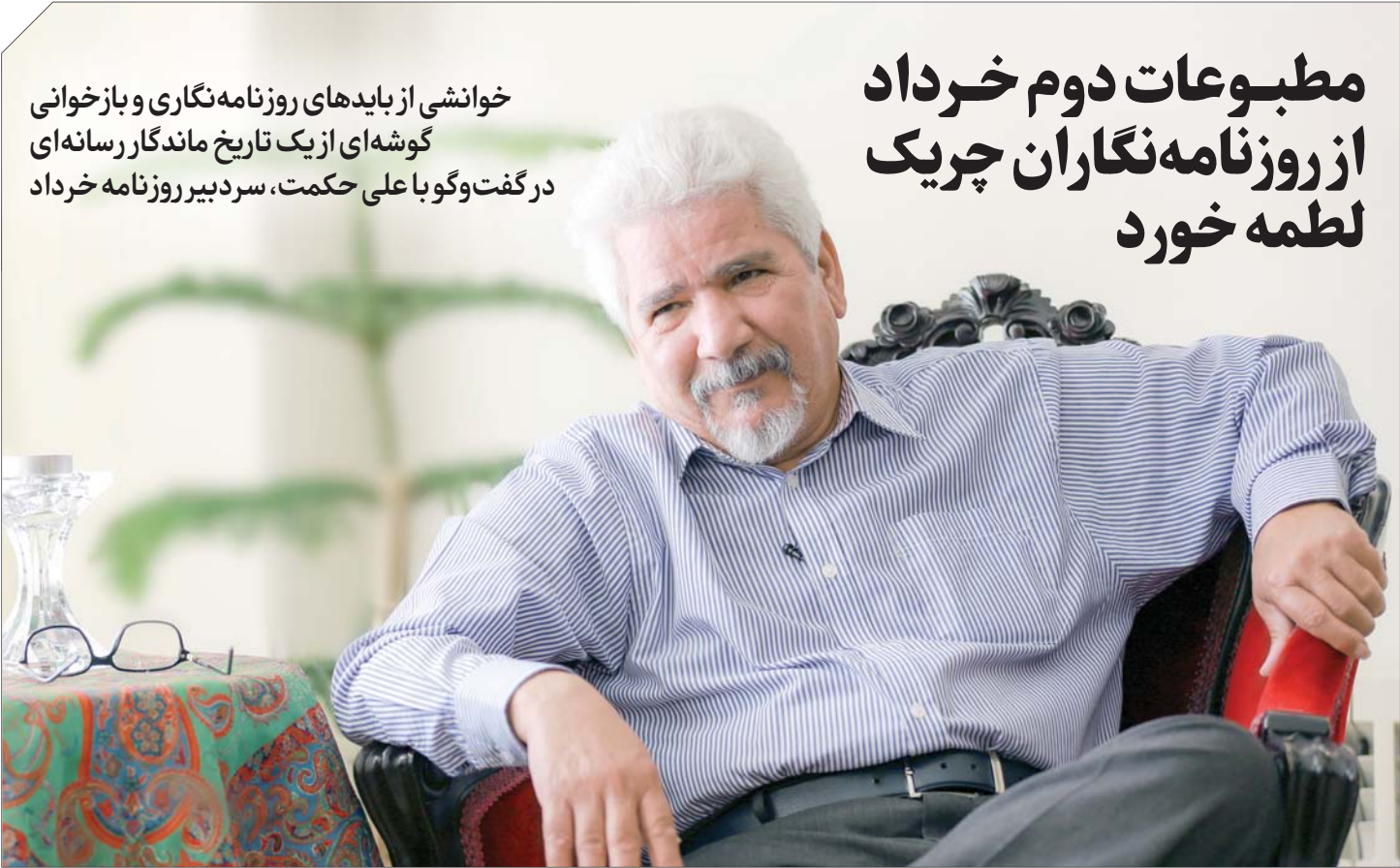
صفحه ۲

۱۳۷ متخصص شهرسازی در نامه‌ای به مجلس درباره سیاست‌های بخش مسکن لایحه برنامه هفتم توسعه هشدار دادند

تلنگر به شهرسازی

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید

خوانشی از بایدهای روزنامه‌نگاری و بازخوانی گوشه‌ای از یک تاریخ ماندگار رسانه‌ای در گفت‌وگو با علی حکمت، سردبیر روزنامه خرداد



عکس: سیدمحمد مرعشی

به قم و از قم به بیروت و از آنجا به هامبورگ رفته بود. سال‌ها بعد و در میانه دهه ۷۰، در سال‌هایی که به بهار مطبوعات در ایران معروف بود، در تهران به سردبیری «روزنامه خرداد» می‌رسد. مسیر او از حوزه علمیه مشهد در دهه ۴۰ تا سردبیری یک روزنامه در دهه ۷۰ و بعد از آن زندان و روی آوردن به شغل خانوادگی‌اش یعنی کشاورزی، مسیری پریچ‌وخم بوده است. متولد ۱۳۲۹ در روستای ریاب گناباد از توابع مشهد است و در سال ۱۳۴۱ مسیر برادرش شیخ محمدعلی را پیش می‌گیرد و وارد حوزه علمیه مشهد می‌شود و هم‌زمان در ۱۲سالگی در مشهد برای گذران زندگی در یک کفاشی مشغول به فعالیت می‌شود. یک سال بعد برادرش برای ادامه تحصیل علوم دینی به نجف می‌رود و علی هم خودش را به محمدعلی می‌رساند. شش سال به بعد به ایران برمی‌گردد و به قم می‌رود و در آن زمان به صورت ناخواسته با برخی از اعضای سازمان مجاهدین در کلاس‌های قرآنی که در تهران برگزار می‌شد، هم‌نشین می‌شود و با اینکه به جنبش‌های آزادی‌خواهانه در جهان به‌ویژه کشورهای عربی علاقه‌مند بود، هیچ‌وقت جذب هیچ‌کدام از سازمان‌های چریکی نمی‌شود.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

سینا رحیم‌پور:دی‌ماه ۱۳۵۳، بیروت شهری تقریباً آرام است و هنوز جرقه جنگ داخلی در آن زده نشده. البته گاهی در گوشه و کنارش صدای تیر و ترکش شنیده می‌شد. **علی** ۲۱ساله، سه سال است که برای تحصیل علوم دینی و زندگی به لبنان آمده است. در همین روزها او تصمیم می‌گیرد برای دیدن دوستانش از بیروت به هامبورگ برود. لباده و عمامه‌اش را پشت در خانه آویزان و بیروت را به مقصد هامبورگ ترک می‌کند.

سفری که قرار بود هفت روز طول بکشد، پنج سال طول کشید. زمانی که این بار برای دیدن دوستانش از هامبورگ به بیروت برمی‌گردد، خانه‌اش در محله عین «الرمانه» بیروت، دیگر مثل قبل نیست. در خانه پر از رد تیر و ترکش است و لباده و عمامه‌ای که پشت در آویزان کرده بود، رد جنگ داخلی را به خود گرفته بود. شیخ علی حکمت، روحانی گنابادی که برای تحصیل علوم دینی از مشهد به نجف، از نجف

یادداشت

سرگیجه اقتصادی



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

این روزها دولت در آخرین ابتکار خود برای حمایت از تولیدکنندگان لیپوترش، گوجه‌فرنگی و پیاز و جلوگیری از ضرر و زیان آنان، دست‌فروشی این محصولات را در حاشیه میداین تهران و در سطح شهرها آزاد اعلام کرده و جنبش همبستگی با این ابتکار در شهرداری‌ها با تبلیغات صدواسیم‌ا به راه افتاده است (اخبار ۲۰:۳۰ در شب‌های اخیر)!

دولتی که این روزها دومین سال عمر خود را سپری می‌کند و بحث و جدل درباره عملکرد و کارنامه آن بالاگرفته است، اکنون کشاورزان را در قامت دست‌فروشان روانه شهرها کرده تا در اقدامی البته نه‌چندان متفاوت با اقدامات دولت‌های قبل، ناکارآمدی خود را در سیاست‌گذاری و الگوی مناسب کشت و نبود صنایع تبدیلی و... پنهان کند. همان ناکارآمدی که حتی در چشم یک باغدار در گزارش خبرگزاری طرفدار دولت نیز به‌خوبی آشکار است: «ما در نظامات اقتصاد کشاورزی دچار بی‌برنامگی و بی‌تدبیری هستیم و نگاهمان به رویه چانه‌زنی است تا کاری انجام دهیم... اصلاً چرا نباید محصول لیموی ما صادر شود؟ چرا نباید بازاربایی مناسبی از سوی سفارتخانه‌های ما در کشورهای هم‌جوار با دوردست و با همکاری اتاق‌های بازرگانی صورت گیرد؟» (فارس، ۵/۱۴).

مشکل البته به هرج‌ومرج در تولید و عرضه این چند محصول کشاورزی ختم نمی‌شود و این زخم کهنه هرازگاهی از جایی سر باز می‌کند. در همین روزها، افزایش سرسام‌آور قیمت مرغ سروصدای بسیاری به پا کرده است (قیمت مرغ به صد هزار تومان رسیده، مردم در بازار پیدا نمی‌کنند، رئیس مجلس، ۵/۳) و هر مقام

مسئولی توپ را در زمین دیگری و البته از همه بیشتر در زمین موجوداتی به نام «دلالتان و واسطه‌ها» می‌اندازد؛ «مرغی که قرار بود با قیمت مصوب ۷۰ تا ۷۳ هزار تومان به دست مصرف‌کننده برسد، اکنون قیمت آن به ۹۵ تا ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. همچنین است گرانی قیمت مواد غذایی از میوه و صیفی تا لبنیات و گوشت و... اکنون سؤال این است، چرا با وجود فراوانی عرضه، قیمت‌ها گران است؟! دلالتان و واسطه‌ها با سوءاستفاده از نبود نظارت از سوی دولت، با خرید عمده و بازارسازی در مقابل کاهش قیمت‌ها مقاومت می‌کنند» (روزنامه جوان، ۱۹/۴/۱۴۰۲). این در حالی است که بر اساس دانش اقتصاد، مسئله اصلی «هزینه مبادله» بالا در اقتصاد کشورمان است (هزینه‌های مرتبط با مراحل مختلف قرارداد شامل هزینه‌های جست‌وجو، چانه‌زنی و اعمال و اجرای قرارداد– داگلاس نورث) که بخش مهمی از آن متوجه رفتار دولت‌هاست. چنان‌که فعالان اقتصادی مقصر اصلی را دولت و قیمت‌گذاری دستوری می‌دانند: «صنعت مرغداری کشور در دست‌کم ۴۰ سال اخیر، همواره با چالش قیمت‌گذاری دستوری مواجه بوده و قیمت‌های تعیین‌شده دولتی برای این حوزه نیز هیچ‌گاه عادلانه و منصفانه نبوده است... حل‌وفصل بازار مرغ در کشور در گرو حذف قیمت‌گذاری دستوری و مداخله دولت است و دولت به جای مداخله در تعیین قیمت‌ها، تمرکز خود را روی روان‌سازی تسهیلات بانکی و مالی داخلی و بین‌المللی برای صنایع قرار دهد» (عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران، سایت اتاق تهران، ۴/۲۷).

گریگوری منکیو در کتاب «کلیات علم اقتصاد» -کتاب مرجع معتبرترین دانشگاه‌های جهان– ۱۰ اصل را برمی‌شمرد که اقتصاد بر اساس آنها بنا شده است. اصل اول در این میان «مبادله» است و اینکه «همه مردم درگیر مبادله هستند... و احتمالاً زمانی اقدام به تصمیم‌گیری مناسب می‌کنند که از انتخاب‌های موجود درکی درست داشته باشند». وی در اصل ششم از شکست اقتصادهای

کمونیستی و مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی می‌گوید و اینکه «بازارها می‌توانند فعالیتهای اقتصادی را به‌خوبی سازماندهی کنند»؛ اما این به معنای بی‌نیازی از دولت‌ها نیست و «دولت‌ها نیز می‌توانند موجب بهبود نتایج اقتصاد بازار شوند. درصورتی‌که دخالت آنها منجر به افزایش کارایی و بهبود عدالت» شود. وی در گفتاری در زمینه رابطه مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و کارایی بازارها می‌نویسد: «وقتی مصرف‌کنندگان برای خرید مرغ به بازار می‌روند، ممکن است از قیمت بسیار بالای مرغ اظهار نارضایتی کنند. به‌طور هم‌زمان تولیدکنندگان مرغ تمایل دارند که قیمت مرغ از قیمت فعلی هم فراتر رود... اما قیمت صحیح مرغ در بازار کدام است؟ قیمت صحیح، قیمتی است که عرضه و تقاضای مرغ را در یک حالت خاص برابر می‌کند. این قیمت، بهترین قیمت است؛ زیرا کل رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرغ را حداکثر خواهد کرد» (همان).

مشکل کشورمان به نظر آن است که اولاً، مسئولان تصمیم‌گیر «اقتصاد» را به‌عنوان یک علم که باید آن را بیاموزند، قبول ندارند و از اصول آن در حد متون پایه‌ای و درسی بیگانه‌اند و دیگر آنکه تصور غلطی از میزان قدرت و وظایف خود به‌عنوان دولت دارند؛ به‌طوری‌که در جایی که باید به‌عنوان دولت حضور داشته باشند، غایب‌اند (سیاست‌گذاری و عرضه کالای عمومی) و آنجا که باید غایب باشند (تصدی‌گری و عرضه کالای خصوصی) حی حاضرند. در این میان البته نباید نقش منافع افراد و گروه‌های خاص را در ایجاد این بلبلی‌سوی سرگیجه‌آور نادیده گرفت؛ «انتظار می‌رود دولت با همت و اراده بیشتری نسبت به رفع مشکلات مردم مخصوصاً در حوزه معیشت گام بردارد و در برخورد با مدیران نالایق و درگیر تعارض منافع مامشات کند» (روزنامه جوان، ۱۹/۴). در مجموع آنکه «در مخصصه‌ای افتاده‌ایم که صرفاً ناشی از ناتوانی تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار از یادگیری نیست، بلکه او نمی‌خواهد که یاد بگیرد» (دکتر نیلی، ۴/۲۳).



صفحه ۲

پرونده‌ای برای ۱۷ مرداد

یک روز درروز شمار ایرانی به نام خبرنگار

اندوه آفتاب «هفدهم»

سوزه‌های خبرنگارزندانی «شرق» از اومی‌کویند



با آثارو گفتاری از:هادی خانیکی، بهروز بهزادی
سیروس علی‌نژاد، بذرالسادات مفیدی، مهرشاد کاظمی
امیرنیک رویان ،احمدافروز، شهرزاد همتی
آزاده محمد حسین، الهه خسروی، مژگان جمشیدی
نقیسه زارع کهن، کیسوفقفوری، نسترن فرخ‌ه، مریم لطفی

صفحات ۱۲و۱۱،۰،۸،۲

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

آقاچان ما را دست انداخته‌اند شما جدی نگیرید!



سیروس علی‌نژاد

وظیفه خبرنگار در تمام دنیا دیدن، شنیدن، مشاهده‌کردن و سپس روایت‌کردن است برای مردم و دولت. دولت، برای آنکه بشنود و در اصلاح امور بکوشد، مردم، برای آنکه در جریان قرار بگیرند و بدانند و از دولت بخوانند که به رفق کاستی‌ها قیام کند. دولتمردان ما اما نیازی به شنیدن در خود احساس نمی‌کنند و چنان در برج عاج نشسته‌اند که آنچه را تمام دنیا پذیرفته، قبول ندارند. خیال می‌کنند خبرنگار جز منتقل‌کردن حرف‌های آنان وظیفه دیگری ندارد و هر کاری غیر از آن جرم است. از زمانی که قانون مطبوعات در این کشور تصویب شد، برای آنکه آزادی مطبوعات مورد تحدید قرار نگیرد، بنا را بر این گذاشتند که مدیرمسئول در برابر آنچه منتشر شده است، پاسخ‌گو باشد. در دولت ایران برای آنکه آزادی مطبوعات را هر چه بیشتر محدود کنند، پا را فراتر گذاشتند و علاوه بر مدیرمسئول، خبرنگار، دبیر و سردبیر را هم مسئول قرار دادند. قانون برای حفاظت از حقوق مردمان است. مجلس ما معنی قانون را نمی‌داند. خیال می‌کند اگر با قیام و قعود چیزی را تصویب کرد، می‌شود قانون. نمی‌داند آنچه تصویب کرده، گاهی ضد قانون است. قوه قضائیه که لابد با قوانین آشناست، خوب می‌داند که الهه محمدی و نیلوفر حامدی تنها رسالت حرفه‌ای خود را انجام داده‌اند. بنابراین پس از حدود یک سال بازداشت، در آستانه دادگاه اعلام می‌کند «اتهام این دو خبرنگار ارتباطی با گزارش مرگ مهسا و حرقه خبرنگاری آنها ندارد». پس به چه ربط دارد؟ نمی‌دانم چرا دستگاه قضا فکر نمی‌کند که جامعه ایران به‌مثابه یک هیئت‌منصفه ناخوانده، آنجا نشسته است و دارد همه چیز را می‌بیند و از این طرز عدالت زیر لب می‌غرد. برخی فکر نمی‌کنند در جامعه‌ای که عدالت برقرار نباشد، هیچ چیز برقرار نیست.

دولت ما کارش از قوه قضائیه و مجلس هم متفاوت‌تر است. در جامعه‌ای مثل جامعه ایران که مردمانش در تلاش مدرن‌سازی کشور از دولت پیشی گرفته‌اند، رفتار دولت با مردم چنان نخوت‌آمیز است که می‌خواهد آنان را تا زمان اصحاب کهف پس براند و کسی هم دم برنیاورد. نمی‌داند دولتی که از مردمش عقب افتاده باشد، بی‌خبر از حال مردمان است و به کار جامعه نمی‌آید. الهه محمدی در درنامه‌اش نوشته است که دولت با رفتار خود مرجعیت خبری را به خارج از کشور منتقل کرده، اما وضع بدتر از آن است. دولت با این رفتار، فضای مجازی را جایگاه بروز افکار عمومی کرده است که از هر نوع پاسخ‌گویی و اصول و اخلاق رهاست. دولت نمی‌داند که این به حالش زیانمند است. مردم می‌خواهند خطاکاران مجازات شوند؛ اما افتقه می‌شود باید کسانی را مجازات کرد که فیلم خطاکاران را پخش می‌کنند. فضای مجازی مدام دارد به این حرف‌ها می‌خندد. این دره عظیم میان دولت و مردم را اگر کوه بیزد هم پر نتواند کرد، هیچ‌کس هم نیست بیرسد چرا دولتی باید در تمام نهادهایش این همه از مردمش فاصله بگیرد؟ دولت از ۴۰ سال تجربه خود با مردم و با جهان هم پند نمی‌گیرد؛ سال‌ها برخلاف افکار عمومی خود با جهان رفتار کرده و حاصلش را دیده و دیده که هیچ دولتی با این روند همراه نیست، اما عبرت نمی‌گیرد.

بدتر این است که با همه اینها می‌خواهد ظواهر مدرن‌سازی را هم رعایت کند. مثلاً روز خبرنگار، روز معلم، روز فلا ن و بهمان برگزار می‌کند. این است که در چنین مواقعی، خبرنگاری زنگ می‌زند که آقا یادداشتی برای ما بنویسید.

ادامه در صفحه ۱۱